

بررسی انتقادی ارتباط معنائی «دعا» و «خواستن» در آموزه‌های اسلامی و قانون جذب

هاشم قربانی*

چکیده

در این جستار به روش تطبیقی و با تحلیل مؤلفه‌های ارتباطی، محتوایی، باورمندی، انگیزشی و گرایشی دعا، به تمایز «دعا» در فرهنگ اسلامی با «خواستن» در قانون جذب پرداخته می‌شود. دعا استوار بر مؤلفه‌هایی است که خواستن و ایمان از ارکان آن است، اما مهمترین مفهوم در قانون جذب خواستن است. یافته‌های پژوهش، عمدتاً ناظر بر ناهمسانی یا ناسازواری دعا / خواستن و ایمان / باور، در اسلام و قانون جذب است. دعا، بر بنیادهای وجودشناختی واقع‌گرایانه و قابل دفاع به لحاظ عقلانی استوار است و به لحاظ معرفت‌شناختی، محتوایی ممتاز را پی‌جوئی می‌کند و هدف آن، ارتقای وجودی انسان است. نیاز فطری، فقر هستی‌شناختی، آگاهی‌زائی معرفت‌شناختی، عشق تعالی‌بخش و کمال‌خواهی وجودی و زندگی اخلاقی از بنیادها و لوازم دعا در اسلام محسوب می‌شود. اما در قانون جذب، هم از حیث وجودشناختی انتقادهای جدی بر بنیادهای «خواستن» قابل طراحی است و هم از لحاظ هدف و ابعاد کمال‌خواهی قابل دفاع نیست.

واژگان کلیدی

دعا، خواستن، تعالی، آموزه‌های اسلامی، قانون جذب.

طرح مسئله

در هر فرهنگ و تمدنی برپایه نیاز فطری انسان به آرامش و احساس اتکای به حقیقتی والا، نیایش و دعا امری ضروری و قابل احترام است؛ این امر، حالت‌های متفاوتی به خود گرفته است و گاه در قالب‌های غیرعقلانی به لحاظ متعلق و کیفیت ارتباط با آن ظهور یافته است. اما رویکردهای تعالی‌گرایانه قابل دفاع در متعلق‌یابی دعا نیز فراوان است. هیلر، متأله آلمانی قرن بیستم در کتاب دعا می‌گوید: «دعا جان و بن‌مایه همه مذاهب است؛ انسان در دعا به والاترین چگونگی زیستن می‌رسد و آن از عمیق‌ترین و ژرف‌ترین لایه‌های درونی انسان برمی‌خیزد» (Heiler, 1985: xv).

این مسئله به‌ویژه در فرهنگ شیعیان، نقش ویژه و تعیین‌کننده‌ای در ارتباط بین انسان و خداوند ایفا می‌کند. دعا از عمیق‌ترین لایه‌های درونی انسان برمی‌خیزد و تحولی ویژه در انسان ایجاد می‌کند. در آموزه‌های شیعیان، دعا حالتی است عرفانی و مفهومی متعالی دارد؛ و دعا نمودن یکی از ویژگی‌های انسان معنوی است. در ادبیات شیعیان، دعا گاه از زبان امامان معصوم علیهم‌السلام بیان می‌شود و گویا، شرح احوال درونی انسان آگاهی‌یافته و دورمانده از بنیان هستی است. در این الگو دعای امام ندای درونی هر انسانی است که مخاطب یک طرف ارتباطی را خود قلمداد می‌کند و از شخص نظاره‌گر به شخص کنشگر بدل می‌شود. این حالت، خود را در نیایش‌ها و مناجات‌نامه‌ها نشان می‌دهد، همچون دعای عرفه، مناجات شعبانیه، دعای کمیل و ... و درون‌محتوای آن تشریح بنیادی‌ترین نیازهای انسانی به زبان معنوی و عرفانی است.

اساس و بنیاد دعا همسو با معنای لفظی آن، بر گونه‌ای خواستن استوار است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۱۸) از دگر سو در یکی از جنبش‌های نوظهور جدید یعنی قانون جذب، خواستن کلیدواژه بنیادین رسیدن انسان به اهداف خویش است. برپایه این قانون، هرگاه انسان عمیقاً پدیده‌ای را بخواهد، آن امر تحقق خواهد یافت و ارتباطی میان خواسته و تحقق متعلق خواسته وجود دارد. برخی مدعیان قانون جذب، سخن از همسویی اسلام و قانون جذب در دو مؤلفه خواستن و لازمه آن باور به تحقق متعلق خواسته گفته‌اند.

در این جستار، ضمن تبیین ویژگی‌های این دو رویکرد در حوزه خواستن و دعا به تمایزهای آنها پرداخته می‌شود و تلاش می‌گردد بدین سؤالات پاسخ داده شود: دعا در فرهنگ اسلامی با خواستن در قانون جذب چه تمایزاتی دارد؟ آیا رابطه‌ای این‌همانی می‌توان میان آنها طراحی کرد؟ مبانی وجودشناختی و معرفت‌شناختی دعا و خواستن کدام‌اند؟ و کدام عقلانی و قابل دفاع است؟

آثار متعددی در حوزه دعاپژوهی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه وجود دارد؛^۱ در این جستار که جنبه نوآورانه دارد، مطالعه تطبیقی و سنجش‌گرانه میان آموزه‌های اسلامی و قانون جذب در مسئله «دعا» یا «خواستن» صورت خواهد پذیرفت.

چیستی‌گویی دعا و بنیان‌های آن در آموزه‌های اسلامی

دعا در آموزه‌های اسلامی، امری درون‌مند است و چونان عبادت مخلصانه بدان نگریسته می‌شود. دعا و نیایش بازگوکننده ارتباط انسان با خداوند، در سازوکاری متعالی است و در این روش، انسان احساس اتکای مطلق بر خالق دارد؛ در دعا انسان با درگیری وجودشناختی فزاینده، خود را متصل به هستی لایتناهی می‌سازد. «دعا منبعی برای اتصال من و تو / ما و او / آنها (هستی‌ها و هویت‌های فردی و جمعی) به امر قدسی است؛ فراتر بردن خود محقر و محدود فردی و جمعی به آن سوی واقعیت روزمره زندگی و جهت دادن به ورای خودپرستی بخش اساسی از کارکردهای دعا است. (نجاتی، ۱۳۹۰: ۱۲) در حالت دعا، «انسان به صورت چیزی برتر از خود در می‌آید» (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۴۹) و قالب‌های عادی و معمولی روزمرگی خود را می‌شکند و خود را در پیشگاه واقعیتی متعالی مشاهده می‌کند؛ به گونه‌ای که عمیق‌ترین و باطنی‌ترین احساس را در برابر خداوند می‌یابد. در آموزه‌های اسلامی، دعا حیثیتی از اوایی دارد؛ دعا عطیه‌ای است الهی. مولوی می‌گوید:

۱. برخی پژوهش‌ها در تحلیل مدعیات قانون جذب و بررسی انتقادی مستندات دینی آن با مراجعه به آموزه‌های اسلامی است؛ نظیر کتاب **قانون جذب و اسلام** نوشته حمزه شریفی‌دوست. در این اثر، با تحلیل مفاهیمی نظیر یقین، امیدواری، حسن ظن، تلقین، خدا و تفکر و ... به بازخوانی انتقادی آنها در قانون جذب پرداخته شده است. مفهوم دعا نیز در این اثر مورد بحث است و عمدتاً از حیث رویکرد نقد درونی به تحلیل آن پرداخته است. برخی پژوهش‌ها در مقام ارتباط دعا و سازوکار علی - معلولی عالم‌اند؛ نظیر: مقاله «بررسی و نقد دیدگاه نوسان برومر درباب تعارض دعا و نظام عالم با تکیه بر آرای علامه طباطبائی، نبوی میبیدی و کوچنایی»، **مجله اندیشه نوین دینی**، ۱۳۹۰؛ مقاله «جایگاه دعا و ذکر در جهان‌شناسی سینوی»، سلیمانی، **مجله حکمت سینوی**، ۱۳۹۱؛ مقاله «تحلیل فلسفی رابطه قضا و قدر با مسئله استجابت دعا از نظر ملاصدرا»، دولت‌آبادی و خادمی، **مجله پژوهش‌های فلسفی**، ۱۳۹۷. برخی به صورت مقایسه‌ای‌اند؛ نظیر: «مؤلفه‌های حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک؛ وجوه شباهت و افتراق»، مهدوی‌راد و حسنی، **مجله معرفت ادیان**، ۱۳۹۸. برخی به درون محتوای آن پرداخته‌اند؛ نظیر «تحلیل زبان دعا»، سلمان‌پور، **مجله اندیشه دینی**، ۱۳۸۴؛ مقاله «نسبت خود - دیگری در گفتمان دعای شیعی»، نجاتی حسینی، **مجله راهبرد فرهنگ**، ۱۳۹۰. از دیگر آثار در این حوزه، کتاب **زیباترین روح پرستنده: امام سجاد**، علی شریعتی؛ کتاب **نیایش عارفان**، محمد فنائی اشکوری؛ کتاب **دعا و نیایش در ادیان**، غلامرضا اکرامی است. برخی پژوهش‌ها نیز جنبه تربیتی دعا را پژوهش کرده‌اند؛ نظیر «نقش تربیتی نیایش از منظر قرآن و عهدین»، محمد امینی. و ... همچنین در مقاله «دعا: یک کنش اجتماعی دینی موثر، مستمر، فراگیر (تحلیل ادبیات دعاپژوهی)»، نجاتی حسینی، **مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۱۳۹۲، به حوزه‌ها و آثار مختلف دعاپژوهی اشاره شده است. در آثار مربوط به قدرت ذهن و قانون جذب نیز، مساله دعا به نحو خاص در برخی آثار نظیر قدرت دعا نوشته پاندر تبیین شده است.

جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجابت از تو است
 هم از اول تو دهی میل دعا تو دهی آخر دعاها را جزا
 (به نقل از: شیمیل، ۱۳۸۷: ۲۸۷)

نیایش و دعا در آموزه‌های اسلامی یکی از راهکارهای مهم برای برون‌رفت انسان از بحران و تنگناها و فشارهای روانی است. آموزه‌های اسلامی با ایجاد زیرساخت دعا که مبتنی بر ارتباط پایدار انسان با خالق است، از طرح خدای بی‌ارتباط با انسان عدول می‌کند و نظریه‌ای را پیش می‌آورد که براساس آن انسان با اتکای بر حقیقت متعالی و ارتباط درونی و گفتاری با آن در قالب دعا خود را از انگاره‌های پوچ‌گروی، بدبینی به زندگی، رخوت، احساس بی‌اتکائی و فشارهای روانی رها می‌سازد. در دعا نشانگان کاهش اضطراب و افسردگی مشاهده می‌شود و فرد با گفتگو با خداوند به‌عنوان حقیقت متعالی، با آرامش و اطمینان قلبی رفتار می‌کند. حاصل این گفتگو رضایت‌مندی عمیق و امیدواری است.

دعا، نشانگر حضور انسان در برابر حقیقت متعالی است. در هنگام دعا، عالی‌ترین و عمیق‌ترین احساسات انسان فعال می‌شود. این حضور شکوه‌مندانه و سیطره‌تعالی بر ارتباط انسان با حقیقت متعالی، عامل بنیادین غربالگری و پالایش خواسته‌های فرد است. انسان حاضر در پیشگاه خداوند در هنگام دعا، به کیفیت درخواست خود ارزش قائل می‌شود و هر درخواستی را شایسته طرح و حتی ورود به مکانیزم ارتباطی خود با خداوند متعالی نمی‌داند. این امر فی‌نفسه بر اخلاقی‌سازی فرد تأثیر قابل توجهی دارد و موجب رشدیافتگی او می‌شود.

در ذیل شاخصه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزشمندی و هدف‌گذاری محتوایی دعا که ترسیم‌کننده بازتعریفی از ابعاد دعایند، تحلیل می‌شود:

۱. شاخصه هستی‌شناختی دعا

مطابق با مبانی هستی‌شناختی ناظر بر دعا، انسان عین فقر و تعلق بر خداوند متعال است؛ براساس آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر / ۱۵) و روایاتی همچون «و أنا أفقر الفقراء إليك» (صحیفه سجادیه علیه السلام، ۱۳۷۶: ۶۰) و مضامین دعای عرفه و نیایش‌نامه‌های دیگر امامان، ارتباط انسان با خداوند از جنس ارتباط فقر و غنا است. تبیین‌های فلسفی نیز گویای این ارتباط است (به‌عنوان مثال، ر.ک: ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۸ / ۱۱۰). این فقر از انسان قابل زدایش نیست و امری پایدار و از لوازم وجودی او محسوب می‌شود. هستی انسان، وابستگی تام به خداوند دارد و این

حقیقت هستی‌مند است که بدو هستی داده است. بنابراین دعا از واقعیتی بنیادین حکایت دارد و بر اثربخشی تام و یگانه خداوند متکی است. دعا ریشه در واقعیتی تکوینی دارد.

انسان آگاهی‌یافته بدین امر نه به لحاظ عقلانی و علم حصولی، بلکه به صورت کشفی - تجربتی و درگیری فعالانه و کنشگرانه، به ارتباط فقر و غنا دست می‌یابد. «دعا» حالت برون‌داد عمیق‌ترین تجربه انسان از این ارتباط است و عمدتاً در نیایش‌نامه‌های بزرگان دین و انسان‌های آگاهی‌یافته بدین ارتباط تجلی پیدا کرده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد دعا برآیند فهم پویا و فعالانه انسان از ارتباط هستی‌شناختی است و تعالی دعا، وابسته به درک عمیق انسان از فقر وجودی خویش است.

درک این ارتباط هستی‌شناختی، موجب درک پیوند عمیق میان فرد دعاکننده با خالق هستی می‌شود. از این رو دعا در آموزه‌های اسلامی فراتر از توصیه و سفارش در قالب دستوری ابراز می‌شود. وجه دستوری آن، موجب طرح گونه‌ای سلوک زیستن برای انسان است و ساحت‌های انسان همچون ساحت انگیزشی، بینشی و حوزه رفتار و عملکردهای او را هدایت می‌کند. ملاصدرا در تبیین حقیقت دعا، بدین مسئله توجه می‌دهد و از آن به عنوان نوعی سلوک برای صالحین یاد می‌کند. (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۴۵۷)

۲. شاخصه معرفت‌شناختی دعا

دلیل‌محور نبودن دعا: دعا ناظر بر بعد گرایشی انسان و پاسخ‌گوی به عالی‌ترین نیازهای فطری اوست. از این رو، دعا با توجه به معطوفیت آن بر نیازهای درونی و لایه‌وار انسان، امری دلیل‌مدار نیست. هیچ‌گاه در دعا، زبان استدلالی مشاهده نمی‌شود. زیرا دعا از جنس آموختنی‌ها نیست؛ بلکه از گونه چشیدنی‌ها و تجربه است. این امر به واسطه آن است که دعا از نیاز بنیادین انسان حکایت دارد و این نیاز، فطری قلمداد می‌شود (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۳) و به همین علت است که نیایش‌نامه‌هایی که بر پایه این نیاز طراحی شده‌اند، مطلوب انسان واقع می‌شود. بر این اساس، گرایش انگیزشی در محتوای دعا وجود دارد.

تحقق آگاهی یقینی در دعا: آگاهی انسان از ارتباط فقر و غنی، زمینه‌ساز دعای تعالی‌یافته می‌شود. از این رو، دعا بر والاترین آگاهی‌های یقینی استوار است و علم و آگاهی‌های خطاناک و قابل تردید در آن راه ندارد. در نیایش‌های امامان، این یقین و ایمان در والاترین سطح خود قابل مشاهده است. مواجهه با آنها، از تعلق خاطر بنیادین مبتنی بر آگاهی و یقین اعتمادآور فاعل شناسا خبر می‌دهد. بدین سان یکی از ویژگی‌های دعا، عمق باور فرد به خواسته و متعلق آن و طرف ارتباطی متعالی است. این امر در مطالعه نیایش‌ها، قابل ردیابی و رصد است؛ هنگام مواجهه با دعاهایی نظیر دعای عرفه و دعاهای صحیفه سجادیه و مناجات شعبانیه خواننده بر دلدادگی بنیادین گوینده و ژرفای باور او

اذعان دارد؛ درحالی که این قطعیت شکوه‌مندانه معرفتی در دیگر آثار مکتوب بشری یافت نمی‌شود.

- دعا؛ منبعی آگاهی‌بخش: دعا در فرهنگ اسلامی، تنها درخواست نیست، بلکه منبع آگاهی‌بخش از اسرار هستی نیز به‌شمار می‌آید و خود، بازگوکننده رازهای هستی در ارتباط با انسان، جهان هستی و خداوند است. زبان دعا در این حالت، زبانی اشراقی - شهودی است و تحلیل آن، می‌تواند خروجی‌های مبتنی بر اطلاع‌رسانی از سازوکار بودگی و وضعیت انسان داشته باشد. محتوای دعا در فرهنگ اسلامی، الگویی برای زیستن می‌تواند تلقی شود.

- ساحت تجربه‌ای - شهودی دعا: زبان دعا، زبانی پویا و زنده است و انسان به‌عنوان فاعل کنشگر در دعا، معنای مندرج در الفاظ مستعمل را در حالتی فراتر از سازوکار ذهنی خود می‌یابد و حالتی عینی به خود می‌گیرد. در این حالت، انسان تنها الفاظی بر زبان جاری نمی‌سازد یا تنها افکاری را از سر نمی‌گذراند؛ بلکه این گفتگوی با خداوند، گونه‌ای گفتگوی اثربخش و درگیرانه است و انسان عمیقاً تجربه‌ای شهودی را در آن ادراک می‌کند. حقیقت دعا، به‌صورت یخ‌زده و منجمد و ایستا نیست بلکه تحقق‌یافته و پویایند. در دعا خداوند بر انسان و خواسته و نیاز او آگاهی دارد و انسان در این حالت، با توجه به درک این آگاهی خداوند، شورمندانه او را در خود احساس می‌کند و حتی نزدیکتر از خود به خود: «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ». (انفال / ۲۴)

۳. ارزش، محتوا و هدف در دعا

«دعا» در فرهنگ اسلامی جایگاهی ممتاز دارد به‌نحوی که سبک زندگی مبتنی بر آن، ارزش والایی در آموزه‌های اسلامی به خود اختصاص می‌دهد. دعا، بخشی از فرهنگ ایمانی یک فرد مسلمان است و بدون آن، رخوت زندگی، علی‌رغم خداواری، پدیدار می‌شود. دعا، مطابق با آیات قرآن کریم، گونه‌ای عبادت است و بر پایه حدیث شریف رسول اکرم ﷺ، مغز عبادت است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۰ / ۲۹۹) و براساس حدیث منقول از امام محمد باقر علیه السلام والاترین گونه عبادت محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۴۶۶) دعا با خداحضور همراه است؛ شخص در دعا فراتر از خداواری، زیست تجربه‌محور خداحضور را به‌عنوان هدف و پیش‌انگاره معرفتی خود می‌داند.

در این مواجهه همچنان که می‌توان برای قرآن کریم که گفتگوی خدا با انسان است، وجودی استقلالی و متعالی در نظر گرفت که هست‌مندی فاخر است، به‌همان‌سان برای دعا نیز که گفتگوی انسان با خداست، می‌توان وجودی عینی ارزش‌مدار متعالی لحاظ کرد. بدین‌سبب است که دعا، نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی معنویت و زیست معنوی انسان دارد. انسان معنویت‌گرا هیچ‌گاه فارغ از دعا نیست و دعا سرشته با اوست.

محور دعا در فرهنگ اسلامی، توجه عمیق و بنیادین انسان به خدا است. خدامحوری پایه دعاست. هدف بنیادین دعا را می‌توان خداحضوری دانست که هم حیثیتی وجودی دارد و بر محضریت دلالت دارد و هم حیثیتی معرفتی دارد و بر فعالیت ادراکی باورمندی به خداوند دلالت می‌کند. برپایه این محور، تمامی مضامین و اهداف دیگر سامان می‌یابد. سعادت‌مندی انسان، طلب رستگاری انسان، امید، درخواست رحمت الهی، فزونی ایمان، صبوری، خیرخواهی برای دیگران، سلامت، امنیت، و ... از مهم‌ترین مضامین مندرج در دعا در فرهنگ اسلامی است. دعا گامی برای رشد معنوی و کمال انسان است. مطابق با آموزه‌های اسلامی، خداوند انسان را دعوت به دعا می‌کند: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». (غافر / ۶۰)

میان خواستن و کیفیت وجودی انسان، ارتباطی وثیق وجود دارد. هرگاه انسان در مراحل بالادستی وجودی باشد و بهره‌مند از مراتب بالادستی کمالات معنوی گردد و نفس او متعالی شود، خواسته‌های او نیز ارتقای وجودی می‌یابند؛ در این جایگاه، عالی‌ترین مطلوب‌های انسان و ناب‌ترین دل‌خواسته‌های بنیادین آدمی درخواست می‌شود. ستایش خداوند پایه این‌گونه خواسته‌هاست. شاهد این امر، مناجات‌نامه و نیایش‌نامه‌های امامان است. اما در صورتی که انسان در مرحله مادی و حسی قرار گیرد، هرچند وی به خداوند و مانایی بعد از مرگ اعتقاد داشته باشد، اما چون از سطح زندگی معیشتی فراتر نرفته است و خود را در مواجهه با حقیقت وجودی عالم قرار نداده است، درخواست‌ها و مطلوب‌های او نیز در سطح امور روزمره و سطح مادی قرار می‌گیرد. از دگرسو همچنان که کیفیت وجودی انسان بر کیفیت مطلوب و خواسته او مؤثر است، حقیقت وجودی دعا نیز آثار ویژه‌ای خصوصاً در سبک زندگی برای انسان خواهد داشت که مهم‌ترین و محوری‌ترین آن، تقرب به خداوند است که دیگر فعالیت‌ها و کنش‌های فرد را سامان می‌دهد.

۴. همراهی دعا با عشق

دعا و نیایش مسبوق و مصبوغ به عشق‌ورزی است و حاصل آگاهی‌های ناب فاعل‌شناساست. به‌عنوان نمونه مناجات‌نامه حضرت علی علیه السلام گران‌بار از مفاهیم تعالی و عشق‌ورزی است و نشان‌دهنده آگاهی‌یافتگی و کمال‌گرایی و تعالی امام است. احاطه ارتباط عاشقانه فرد دعاکننده با حقیقت تعالی، زبان و واژگان ویژه‌ای می‌طلبد و در این حالت، انسان با به‌کارگیری ادبیاتی فاخر در برابر حقیقت تعالی از ویژگی‌های معشوق می‌گوید و خواسته‌های خود را هم‌سازگار با خواسته‌های او می‌سازد.

دعا در معنای تعالی آن با عشق و زبان عاشقانه همراه است همچنان که برخی پژوهشگران اشاره کردند دعا ارتباط عاشقانه مخلوق با خداوند است (بوبر، ۱۳۸۸: ۴۵) و شرح احوال نیازهای

عمیق اوست. دعا ابراز عشق‌ورزی انسان با خالق است؛ همچنان که در عشق‌های این‌جهانی گفتگو با معشوق، خود، دارای ارزش و لذت فرامادی است، در عشق به حقیقت متعالی نیز، دعا که فراتر از گفتگوی عادی است، امری لذت‌آور و ارزشمند است. در دعا، واگویی احساسات عمیق انسان که برآیند نیاز اوست، تجلی می‌یابد. بر اساس این لازمه جدایی‌ناپذیر دعا، آرامش است. دعا، درون انسان را پالایش می‌دهد و انسان را به تعادلی در خواسته‌ها و هیجانات و باورها و گرایش‌ها می‌رساند و بدین سبب است که برای انسان لذتی معنوی به همراه دارد؛ «و فی مناجاتک روحی و راحتی و عندک دواء علی و شفاء غلی و ...». (امام سجاده علیه السلام، ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۱ / ۱۴۸)

خواستن و باور عمیق به تحقق آن بسان مهم‌ترین تکیه‌گاه قانون جذب

در میان شبه‌جنبش‌های جدید، قانون جذب، بیشترین تمرکز خود را بر «خواستن» گذاشته است. راز (Secret) یا قانون جذب (Law of attraction) جذابیت‌های خاصی دارد که موجب توسعه روزافزون آن شده است. قانون جذب را می‌توان بخشی از پروژه تفکر نوین نام نهاد. جنبش تفکر نوین، به‌ویژه در قرن بیستم توسعه فراوانی پیدا کرد. قانون جذب، تقریرهای مختلفی دارد. اما نقطه مشترک همه آنها تأکید بر خواسته‌ها و باورهای فرد است. همان‌گونه که با استناد به آثار مدعیان قانون جذب خواهد آمد، قانون جذب، بر خواسته‌های انسان و باورهای او تمرکز می‌کند. ازسویی همچنان که مشاهده شد، دعا و ایمان در فرهنگ اسلامی، نقش فزاینده‌ای در زیست آدمیان ایفا می‌کند. برخی آموزش‌دهندگان قانون جذب در ایران مدعی‌اند این قانون در فرهنگ اسلامی آمده است. هم‌سوئی دو واژه در بافتار اسلامی و قانون جذب می‌تواند برای مروجان و مخاطبان ایرانی - اسلامی جذابیت داشته باشد: ایمان و باور / دعا و خواسته! سؤال این است که آیا «خواستن» و «باور داشتن» در قانون جذب، همان یا همسو با «دعا» و «ایمان» در فرهنگ اسلامی است؟

قانون جذب یا راز، بیشتر با پخش فیلم «راز» که محصول سال ۲۰۰۶ استرالیا است، بر سر زبان‌ها افتاد. طراح اصلی این فیلم، راندا برن است. او در سال ۲۰۰۴ با قانون جذب آشنا می‌شود و دو سال بعد، فیلم یا مستند راز را می‌سازد. سپس وی، به نگارش آثاری در این مورد پرداخته است: راز، معجزه، قدرت و

برن مدعی است با خواندن کتاب *دانش ثروت‌مند شدن* نوشته والاس واتلز با قانون جذب آشنا می‌شود. این کتاب در بسط جنبش تفکر نوین حائز اهمیت است. هرچند کتاب‌های دیگری نیز بوده‌اند که بیشتر این آثار با ماهیت ثروت و ثروت‌مند شدن در جنبش تفکر نوین تحریر شدند؛ نظیر:

آن گونه که انسان می‌اندیشد نوشته جیمز آلن، **شیوه شاه کلید** نوشته چارلز هانل، و **بیندیشید و ثروت مند** شوید نوشته ناپلئون هیل. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۲) جنبش تفکر نوین که با أخذ رویکرد اومانستی، فعالیت خود را به نحو چشم‌گیری از سال‌های نخستین قرن بیستم آغاز کرد، با نگارش این آثار شهرت بسزایی می‌یابد؛ اما نگارش کتاب **راز** توسط برن، موج جدیدی را در رابطه با یکی از آموزه‌های تفکر نوین به راه انداخت. امروزه فعالیت‌های مختلفی در راستای بازتعریف و توسعه این قانون در قالب‌های گوناگون طراحی شده است.

مهم‌ترین ایده قانون جذب، تأکید بر خواستن و باور ژرفا به تحقق آن است. این آموزه در بسیاری از آثار قانون جذب، مفصل بیان شده است. در بخش میانی کتاب **راز**، با عنوان «چگونه از راز استفاده کنیم؟» به سه مرحله اشاره می‌شود: خواستن / باور داشتن / دریافت. (برن، ۱۳۹۲: ۷۴ - ۴۹) این سه مرحله در کتاب قدرت نیز آمده است. (برن، ۱۳۸۹: ۷۲) در توضیح این سه‌گانه آمده است:

مرحله اول خواستن است؛ خواستن و دستوری که به جهان می‌دهید. جهان به افکارتان پاسخ می‌دهد. اگر در مورد خواسته‌هایتان تردید داشته باشید یا از آن مطمئن نباشید، قانون جذب نمی‌تواند آن را به شما بدهد. در زندگی قاطعانه در مورد آنچه می‌خواهید تصمیم بگیرید. بگوئید چه می‌خواهید. (برن، ۱۳۹۲: ۵۰)

مرحله دوم باور. باور داشته باشید آنچه می‌خواهید از اکنون به شما تعلق دارد؛ باوری خلل‌ناپذیر. باور داشته باشید خواسته‌هایتان مورد پذیرش واقع می‌شود؛ باوری کامل و محض. (همان: ۵۲)

در **مرحله سوم که دریافت است**، بیشتر بر داشتن حس خوب تأکید می‌شود. «احساس وجد داشته باشید. آن‌گونه احساس کنید که موقع دریافت واقعی خواسته‌تان احساس خواهید کرد هم‌اکنون آن‌گونه احساس کنید» (همان: ۵۶). در قانون جذب گفته می‌شود باورها و خواسته‌های انسان باید به گونه‌ای باشد که گویا الان و اکنون به خواسته‌ها رسیده است. از این‌رو، انسان، زمان میان خواستن تا تحقق آنها را باید حذف کند. و بدین‌سان زمان امری توهمی در قانون جذب محسوب می‌شود (همان: ۶۷). «در جهان چیزی به نام زمان وجود ندارد؛ زمان تنها ابداع و اختراع انسان به خاطر نیاز او به تجزیه و تفکیک به واسطه دید محدود اوست». (دایر، ۱۳۸۱: ۶۷)

در قانون جذب، روش‌های متعدد و تمرین‌های مختلفی برای رسیدن به خواسته‌ها در نظر گرفته می‌شود. در کتاب **کاربرد قانون جذب: کارگاه‌های آموزشی راز**؛ مجموعه آموزش‌های آبراهام هیکس به گونه‌های مختلف این روش‌ها همچون تهیه فهرستی از موارد مورد علاقه فرد، توجه به امور خوب در زندگی، جنبه‌های مثبت و ... اشاره شده است. شیوه‌هایی نیز در آثاری همچون

بیندیشید و ثروت مند شوید نوشته هیل و نیز شیوه شاه کلید نوشته هانل آمده است. در کلید زندگی با قانون جذب، کنفیلد انجام اقدامات ویژه روزانه بویژه خواستن و تمرکز و باورمندی را تأکید می‌کند. (کنفیلد، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

برن نیز در آثار خود نظیر معجزه و راز به شیوه‌های خاصی تأکید کرده است. در معجزه از تمرین‌های مختلف با فحوای شکرگزاری / سپاس‌گزاری بهره‌برداری می‌کند. ماهیت کتاب **معجزه بر شکرگزاری** استوار است. او می‌گوید شکرگزاری به‌گونه‌ای معجزه‌آسا می‌تواند روابط تو را پرمعنا و مسرت‌بخش سازد. (برن، ۱۳۹۶: ۲۴)

سامان‌دهی به افکار و باورهای انسان و تمرکز بر روی آنها، خواسته‌ها را تحقق می‌دهند. میزان تحقق خواسته‌ها بستگی به این امر دارد که تا چه میزان به آنها باور داشته باشید. جهان یا کائنات، آماده تحقق دادن به خواسته‌هایی هستند که این ملاک در آنها اتخاذ شده باشد. در کتاب **راز**، از علاءالدین و چراغ جادو اسم برده می‌شود که علاءالدین به‌سان فردی است که خواسته‌هایی دارد و آن چراغ جادو و غول در پی تحقق دادن به آن خواسته‌هاست. جادو استعاره‌ای از قانون جذب است. (برن، ۱۳۹۲: ۴۱)

در برخی آثار این حوزه نظیر کتاب **قدرت دعا**، به نحو ویژه‌ای از مفهوم دعا سخن گفته شده است. پاندر در این اثر، دعا را دارای حیثیت اشتراکی می‌داند و هدف آن را مشارکت با خداوند معرفی می‌کند؛ (پاندر، ۱۳۸۵: ۲۸) اما این حیثیت از یک‌سو و طرف ارتباطی آن از سوی دیگر، کاملاً متکی بر قدرت ذهن ترسیم می‌شود.

ملاحظات انتقادی هم‌معنائی و هم‌سازگاری دعا و خواستن

بنیان قانون جذب بر خواستن فرد استوار است. در این جایگاه، بررسی انتقادی خواستن در قانون جذب در سنجش با معنای ملحوظ در دعا مورد تأکید است. جنبش جذب، لایه‌هایی دارد: لایه‌های سطحی و ظاهری و لایه‌های باطنی. برخی لایه‌های ظاهری آن که توجه به امیدواری، مثبت‌نگری، انگیزه‌دهی و سپاسگزاری است، قابل قبول است. سخن گفتن از بخشندگی و دهنده‌گی و عشق‌ورزی میان همه آدمیان از نکات خوب این مشرب فکری است. این موارد ظاهری و سطحی قانون جذب است. درون‌محتوای دعا نیز در فرهنگ اسلامی، سپاسگزاری و قدرشناسی است؛ امیدواری به رحمت الهی ماحصل دعاست و ایمان به واقعیت بنیادین هستی، لازمه آن. اما ملاحظات انتقادی در این میان وجود دارد که بیشتر به ابعاد درونی قانون جذب اشاره می‌کند.

۱. هم‌سازگاری و پیوند عمیق دعا با فعالیت عملی اشرابخش / و عدول از آن در جذب

آنچه در این میان اهمیت دارد، سؤال از جایگاه تلاش برای رسیدن به خواسته است. آموزه‌های اسلامی، دعا را در کنار کنش انسان معنادار می‌کند و اساساً مفهوم نوینی به نام برکت را در کار انسان برای کسب روزی در دستور کار قرار می‌دهد. دعا بدون کار و به صرف عزلت‌نشینی امری مذموم و نکوهیده است. اما در سراسر کتاب‌های برن و به‌طور کلی اساساً ماهیت ادعایی قانون جذب، اشاره‌ای به کار و تلاش در برآوردن خواسته‌ها نشده است. آنچه حائز اهمیت است باورها و خواسته‌های انسان است. این امر از ماهیت قانون جذب برمی‌خیزد.

ادعای مفروغ‌عنه بودن تلاش و کار در قانون جذب، امری نادرست است؛ زیرا اگر در پی ارائه برنامه‌ای جامع برای رسیدن به خواسته‌ایم، این برنامه نباید صرفاً بر یک بعد تأکید داشته باشد و همه امور را هم در همان بعد ملاحظه کند. به‌عنوان مثال، در کتاب *راز آمده است*:

برای جذب پول، باید تمرکزتان را روی موضوع جذب ثروت بگذارید... تنها دلیلی که شخص، پول‌دار نیست، این است که وی با افکار خود جلوی سرازیر شدن پول به زندگی‌اش را می‌گیرد. تمامی مبلغی که نیاز دارید الان آماده است. بیشتر در مورد فراوانی پول فکر کنید. (برن، ۱۳۹۲: ۱۰۰)

اگر سابقاً فکر می‌کردید تنها راه به‌دست آوردن پول از طریق کار کردن است، دیگر این‌گونه فکر نکنید. آیا متوجه هستید که تا وقتی که این‌گونه می‌اندیشید، الزاماً این‌گونه هم تجربه می‌کنید؟ (همان: ۱۰۳)

اگر تاکنون فکر می‌کردید بایستی به سختی کار کنید و تقلا کنید تا پول دربیابید دیگر فکرتان را هم نکنید. (همان: ۱۰۷)

کسی که ثروت‌مند است افکار مسلط وی در مورد ثروت است و به کمبود فکر نمی‌کند... ثروت شما در جهان نادیده منتظران است؛ و برای اینکه آن را به زندگی وارد کنید، به آن باید فکر کنید. (همان: ۱۰۵)

در این موضع بیان نمی‌شود که باید برنامه‌ریزی کنید؛ بلکه می‌گوید باید فکر کنید و منظور از فکر کردن در این زمینه، معنای ویژه خود را در قانون جذب دارد.

هنگامی که اندیشه‌ای در سر دارید که آرزوی تحقق یافتن آن را در جهان می‌کنید، به یاد داشته باشید تنها کاری که باقی می‌ماند این است که امواج مغز خود را با امواج آن رویداد میزان کنید... تنها چیزی که کارآیی دارد و برای نیل به هدف مفید است، اراده و خواست شماسست؛ کافی است چیزی را بخواهید. واژه‌هایی از

قبیل عزم راسخ و پشتکار و پایداری را دور بریزید. (دایر، ۱۳۸۱: ۶۹ - ۶۸)

در برخی مواقع، تخیلات و توهّمات به این فرآیند افزوده می‌شود. برن در *راز*، از قول فردی به نام شیرمر می‌گوید: من یک صورت حساب بانکی گرفتم و روی مبلغ موجودی‌ام لاک گرفتم و به‌جای آن، مبلغ جدیدی را نوشتم. دقیقاً همان مبلغی که دلم می‌خواست... یا... صرفاً تصور کردم که تعدادی چک به‌جای فیش‌های پرداختی در صندوق خانه است. ظرف یک ماه اوضاع عوض شد! (برن، ۱۳۹۲: ۱۰۶) در جایی دیگر می‌گوید تصور کنید قبوض پرداختی، چک‌هایی‌اند که آنها را دریافت کرده‌اید. (برن، ۱۳۸۹: ۱۶۴) آیا این امر چیزی جز خیال‌بافی و رؤیاپردازی است؟

نکته دیگر آن است که چرا در این‌گونه از اندیشه‌ورزی، حجم عظیمی از نوشتارگان به ثروت و کسب پول اختصاص دارد؟ «شاکتی گواین از نقشه گنج سخن گفته و برای این منظور، فرآیند تجسم خلاق را پیشنهاد می‌کند. وی با دسترسی به خزانه بیکران، عالمی لبریز از فراوانی و بارش مادی را به مریدان خویش نوید می‌دهد. دیپاک چوپرا، در کتاب *آفرینش فراوانی* گفته است: اصول مطرح‌شده در این کتاب اختصاصاً به ایجاد ثروت بی‌انتهای مادی مربوط می‌شود. لوئیز هی می‌گوید هرگاه بتوانید ثروت بیشتری را احساس کنید، ثروت بیشتری به سراغتان خواهد آمد. جری گیلز کتابی با عنوان *عشق پول می‌نگارد*. چارلز پویسانت در کتاب *توانگران چگونه می‌اندیشند* از تحقق آرزوی پیوستن به جمع اغنیا می‌گوید و...» (شریفی‌دوست، ۱۳۹۲: ۲۸ - ۲۶) برخی نیز نوشته‌اند:

به نمادهایی از ثروت، همچون اسکناس، چک و شمش‌های طلا و تصاویر آنها خیره شوید و با آنها معاشره کنید و به آنها بگوید ای اسکناس‌ها شما را کرور کرور به دست خواهیم آورد. من عاشق شمایم! (آزمندیان، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۳۸)

ماهیت چنین پندارهایی، به‌دست آوردن ثروت با راهکارهای ویژه‌ای است. هیچ‌گاه کسب ثروت را نمی‌توان مذموم انگاشت؛ اما مهم آن است که ثروت در چنین اندیشه‌ای به‌عنوان آرمان معرفی می‌شود، درحالی‌که عقلانیت و اخلاق‌مداری، ثروت را به‌سان ابزار مورد تأکید قرار می‌دهند. اگر ثروت همراه با زیست‌تجملاتی و مصرف‌گرا باشد، هرگز با الگوی فرزانی از زیست اخلاقی سازگار نخواهد بود.

وانگهی جوهره انسان به کار است و اساساً انسان با کار و تلاش است که زندگی می‌کند و بخشی از زیست او را تشکیل می‌دهد. در احادیث متعددی، در کنار نیایش و دعا، از کار به‌عنوان یکی از پایه‌های زیست مطلوب یاد می‌شود. (ابن‌شعبه، ۱۴۲۳: ۳۰۱) انسان با کار، به خودشکوفایی می‌رسد و بخشی از آرامش او با کار به‌دست می‌آید. درحالی‌که در چنین اندیشه‌ای از ثروت با حذف تلاش، ادعای رساندن انسان به ثروت وجود دارد. دعا در آموزه‌های اسلامی، در فرآیند نظام‌مندی قرار

می‌گیرد که در آن، کار و تلاش اصل جوهری وجودی آدمی در زندگی به‌شمار می‌آید و دعا بدون تلاش در ساخت زیست فردی و اجتماعی، ارزشمند نخواهد بود.

۲. فقدان تحقق فرآیند عملیاتی ساختن خواسته‌ها در جذب

در فرآیند عادی و بدون در نظر گرفتن قانون جذب، خواسته‌های انسانی چگونه تحقق می‌یابند؟ سازوکار عادی، آن است که انسان ۱. مدیریت و برنامه‌ریزی معین و ۲. تلاش و کار خاص برای رسیدن به خواسته‌ها را در دستور کار قرار دهد. تصویرسازی صحیح از مطلوب و خواسته همراه با برنامه‌ریزی (مقام تفکر) و تلاش انسان برای رسیدن به خواسته (مقام عمل) دو ساحت مهم سازوکار عادی عملیاتی شدن خواسته‌های انسان است. این امر، روند عقلانی تحقق خواسته‌هاست. در آموزه‌های اسلامی، مسئله انگیزه الهی به این فرآیند اضافه می‌شود. افزوده انگیزه الهی، موجب اعتمادبه‌نفس فاعل، رونق کار، برکت در کار، معناداری کار، ایجاد حس رضایت‌مندی و مسئولیت‌پذیری و تلاش در جهت کمال‌خواهی انسان می‌شود.

براساس این طرح، برنامه‌ریزی حائز اهمیت است. اما در جنبش قانون جذب، صراحتاً این برنامه‌ریزی نفی می‌شود. به‌عنوان مثال، برن در کتاب معجزه بر شفاف بودن خواسته‌ها تأکید می‌کند و می‌گوید: «در مورد جزئیات خواسته‌ها تأمل کن. اما یادت باشد وظیفه تو این است که صرفاً فهرستی از خواسته‌ها را تهیه کنی؛ نه در مورد چگونگی دستیابی به آنها!». (برن، ۱۳۹۶: ۳۳) در کتاب *راز* نیز می‌گوید: «اینکه چگونه اجابت خواسته‌ت را اتفاق می‌افتد، چگونه جهان آن را به شما تقدیم می‌کند، نباید دغدغه شما باشد؛ بگذارید جهان کار خود را انجام دهد». (برن، ۱۳۹۲: ۵۵) و این امر، با توجه به مدعای اصلی قانون جذب یعنی تمرکز بر روی خواسته‌ها و باور به تحقق آنها، امری طبیعی است. در برنامه‌ریزی، حضور دو مؤلفه، حداقل شرط‌های ضروری‌اند: توجه به توان‌مندی‌های شخص و توجه به امکانات. عقلانیت اقتضا دارد انسان در خواسته‌های خود بر این دو، تأکید کند.

فعال‌سازی‌های توانایی‌های بالقوه درونی انسان‌ها در جهت رسیدن به خواسته‌ها با جهت‌گیری تعالی‌گرایانه امری ستایش‌آمیز است و باید همه انسان‌ها در بهره‌گیری از آنها تشویق کرد. اما سازوکار رسیدن و دستیابی به تحقق خواسته‌ها تنها باور داشتن عمیق نیست؛ انسان شایسته است باوری عمیق داشته باشد که «می‌تواند». اما نباید در همین حد باقی بماند و تنها راه رسیدن را باور و خواسته عمیق بداند.

بنابراین در هر برنامه‌ریزی، لحاظ توان‌مندی‌ها و امکانات بیرونی شرط لازم است. اما در مدعیات قانون جذب چنین ملاحظه‌ای در کار نیست. حتی در این میان می‌توان از بسترهای اجتماعی و

ظرفیت‌های روان‌شناختی فرد در تأثیرگذاری آنها در نحوه تحقق دادن به خواسته‌های او سخن گفت. برخی اموری که فرد در زندگی خود خواهان آن است، نیازمند پیش‌داشته‌ها و بسترهاست. در قانون جذب، این شرایط وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال در کتاب معجزه آمده است: «اگر شغل رؤیایی‌ات را می‌خواهی، پس در مورد اینکه دلت می‌خواهد چه شغلی داشته باشی، فکر کن: میزان حقوق، نوع شرکت و کارخانه و ...». (برن، ۱۳۹۶: ۳۴) اما در اسلام، خواست فرد از طریق کانال‌های عقلانیت، اخلاق، حضور در پیشگاه الهی، شرمساری و ... پالایش می‌شود و هرخواستی موردنظر نیست.

۳. عدم تفکیک خواسته‌های عقلانی و غیرعقلانی / اخلاقی و غیراخلاقی

محتوای دعا در آموزه‌های اسلامی، در سطوح مختلفی از سلامت، رفع گرفتاری‌ها، خیرخواهی برای دیگران، تا ستایش حقیقت متعالیه و تقرب الهی است. به‌طور کلی این محتوا در فضایی عقلانی - اخلاقی طراحی می‌شود؛ زیرا هم ابتدا بر واقعیت‌های بنیادین دارد و هم بر بن‌مایه‌های اخلاقی. پالایش خواسته‌ها و پرهیز از زیاده‌خواهی و نگاه‌های غیرواقع‌بینانه لازمه حقیقت دعاست. می‌توان گفت خواسته‌های انسان به دو نوع خواسته‌های معقول و خواسته‌های غیرمعقول تقسیم می‌شود. اگر انسان، فرد توانمندی باشد و امکانات ویژه‌ای در اختیار او گذارده شود و با تلاش و پشتکار بتواند اقدامات مفیدی در جامعه انجام دهد، چنین خواستنی، خواستن معقول است. اما اگر نه توان ویژه‌ای داشته باشد و نه امکانات خاصی در اختیار او باشد، طبیعتاً این خواسته، نامعقول است. اما به نظر می‌آید در قانون جذب این تقسیم‌بندی معنایی ندارد. در هیچ‌یک از آثار جذب بر لحاظ عقلانی خواسته‌ها توجهی نشده است؛ صرفاً خواستن مهم است بدون هیچ‌گونه ممیزه‌ای!

از طرفی دیگر، می‌توان خواسته‌ها را به خواسته‌های اخلاقی و غیراخلاقی تقسیم کرد. برخی خواسته‌ها اخلاقی نیستند؛ رسیدن به ثروت‌های نامشروع، شهوت‌رانی جنسی فکری و ذهنی با افراد دیگر، خواستن‌های ناشی از حسادت‌ورزی و منفعت‌طلبی، خواستن‌های مبتنی بر نابودی جایگاه دیگران، و ... هیچ کدام اخلاقی نیست. اما در قانون جذب، تنها خواستن مهم است و ملاک و ممیزه اخلاقی ندارد. در قانون جذب، نه تنها اخلاقی بودن خواسته‌ها مورد تأکید نیست، بلکه برخی مؤلفه‌های اخلاقی، جایگاهی در نظام ارزش‌گذاری انسان ندارد. به‌عنوان مثال رایگان‌بخشی، دست مستمندی را گرفتن، ایثار، گذشت، فداکاری و از خودگذشتگی و ... از مفاهیم اخلاقی ارزشمند در نظام اسلامی محسوب می‌شوند. اما مطابق با مدعیات قانون جذب، این مفاهیم باید از ساحت ذهن انسان کنار گذاشته شود؛ چراکه انسانی که به این مفاهیم می‌اندیشد و زیست خود را مبتنی بر آنها می‌کند، ناشی از افکار «کمبود» است و این با دارایی، سر ناسازگاری دارد. برن در این باره می‌گوید:

بسیاری از افراد برای دیگران فداکاری می‌کنند و فکر می‌کنند یعنی اینکه آنها آدم‌های خوبی‌اند. درحالی‌که این فکر اشتباه است. اینکه خودتان را فدای دیگران کنید، صرفاً ناشی از افکاری است که شما از کمبود در ذهنتان دارید. در ذهنتان می‌گوئید از آنجایی که به اندازه کافی از فلان چیز برای همه نیست، پس من چیزی برای خودم نمی‌خواهم. این احساسات حس خوبی را بر نمی‌انگیزاند و نهایتاً به خشم منتهی می‌شود. هرکسی مسئول واقعی کردن خواسته‌های خود است. شما مسئول خودتان هستید. (برن، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

در جایگاهی دیگر در مورد دیگرخواهی که یک مؤلفه مطلوب در نظام اخلاقی انسان است، می‌گوید: «اول باید به خودتان توجه کنید و خودتان را اشیاع نمایید. ابتدا باید به لذت و خوشی خودتان برسید. دیگران مسئول شادی خودشان‌اند». (همان: ۱۱۷)

اما دعا در اسلام، تنها خواستن نیست؛ گفتگوی اثربخش است؛ نیایش از این جهت بسیار غنی‌تر از مفهوم دعا بوده و گونه‌ای سخن گفتن با خداوند است. در ادبیات معنویت اسلامی، خیرخواهی و دیگرخواهی برای دیگر انسان‌ها در دعا بسیار مورد تأکید است. برخی گفته‌اند: دعایی که همواره مستجاب خواهد شد، دعایی است که در حق دیگران انجام شود؛ دعا در حق پدر و مادر و نزدیکان و وابستگان و کسانی که در رشد و پیشرفت او نقش داشتند. (شیمل، ۱۳۸۷: ۲۷۸) دیگرخواهی در دعا در معنویت اسلامی ارزش بنیادین محسوب می‌شود؛ درحالی‌که در قانون جذب، دعا متضمن چنین بعدی نیست و تنها در راستای منافع این‌دنیایی فرد انسان است.

۴. ادعای متافیزیکی قانون جذب

ادعای متافیزیکی قانون جذب مبنی بر آماده بودن کائنات برای تحقق خواسته‌ها قابل تأمل است. این آمادگی به چه معناست؟ طبیعتاً ظرفیت‌های متعددی برای استفاده و بهره‌وری انسان در عالم هستی جهت شکوفایی و پیشرفت وجود دارد؛ اما این امر بدین معنا نیست که با صرف خواسته و باور عمیق انسان، هستی آنها را متحقق سازد. در قانون جذب، کائنات خدمتکار تام انسان‌اند؛ صحیح‌تر آنکه خدمتکار تام خواسته‌های عمیق و درونی‌شده انسان‌اند. حال آنکه عالم هستی، با غنای وجودی خود و بر پایه آموزه‌های اسلامی، مسخر انسان است؛ اما مسخر کنش‌های فعالانه انسان با وجود تأکید بر خواسته‌ها با رویکرد عقلانی - اخلاقی. این‌گونه نیست که هستی، آماده تحقق دادن به خواسته‌های شخص به صرف خواست عمیق باشد؛ بلکه شخص با کنش پویای خود، خواسته‌ها را متحقق می‌سازد و در جهان هستی چنین ظرفیتی وجود دارد.

۵. تناسب نداشتن نمونه‌های مورد استناد قائلان به قانون جذب با مدعیات آنها

روان‌شناسی مثبت‌گرا، فیزیک کوانتوم و برخی گزاره‌های دینی مورد استناد قانون جذب است. در این جایگاه مجال پرداخت به حوزه روان‌شناسی مثبت‌گرا و کوانتوم و ناهمسویی آن با قانون جذب نیست. تنها به برخی گزاره‌های دینی پرداخته می‌شود. آموزه‌های اسلامی در پی ارائه برنامه جامع زیستن برای انسان است. این برنامه، ابتدایافته بر واقعیت است. در این موضع به‌صورت اجمالی به «شکرگزاری» و «دعا» خواهیم پرداخت. سپاسگزاری در دین اسلام نکته حائز اهمیت است. انسان شاکر، مطابق آیه قرآن، فزونی پیدا می‌کند: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ». (ابراهیم / ۷) در سپاسگزاری، دو مؤلفه مداومت و پایداری و نیز باورداشت انسان در نظر گرفته می‌شود. شکر در زمینه دینی، هیچ‌گاه مقطعی نیست. این‌گونه نیست که انسان در مقطعی از زمان، شکر ظاهری بر جای بیاورد و دیگر توجهی بدان نداشته باشد. در شکر، مداومت لازم است.

اما این مسئله، ارتباطی با قانون جذب ندارد و سپاسگزاری در قانون جذب با سپاسگزاری در آموزه‌های دینی متفاوت است. شکرگزاری در قانون جذب مبتنی بر ایجاد و تقویت باور در رسیدن به خواسته‌هاست. به‌طور کلی هرچه باورها قوی‌تر باشد، قدرت جذب خواسته بیشتر می‌شود. سپاسگزاری به‌مثابه ابزاری است در خدمت توجه به باورها. به‌همین دلیل، شکرگزاری به شکلی معجزه‌آسا، انسان را به خواسته‌هایش می‌رساند. (برن، ۱۳۹۶: ۲۴)

اما در آموزه‌های اسلامی، صرف سپاسگزاری عامل پدیدآورنده امور دل‌خواه آدمیان نیست. کار و تلاش یکی از علل عمده محسوب می‌شود و سپاسگزاری در دل کار معنا می‌یابد. شکر (لأن شکرتم) در مکتب اسلام، آن هنگام نتیجه فزونی (لأزیدنکم) می‌دهد که این سپاس، گران‌بار از بسیاری مؤلفه‌ها باشد؛ مؤلفه‌هایی نظیر ایمان، تقوا، زیست اخلاقی و پایبندی انسان بر اخلاق، توکل همه‌جانبه بر خداوند متعال، خداحضوری، تلاش و کار، داشتن چارچوب اندیشگی مطلوب مورد نظر اسلام و ... در اسلام، شکرگزاری ماهیتی برای رشد کمالات معنوی و اخلاقی انسان دارد. اما در قانون جذب، سپاسگزاری به دلیل اینکه در جذب امور برای تحقق دادن به خواسته‌ها ایفای نقش می‌کند، حائز اهمیت است. آن هم خواسته‌هایی که رنگ مادی دارند؛ در بسیاری از آثار قانون جذب، مواهب مادی نظیر ثروت و پول، همسر مناسب، مسافرت، تحصیلات و شغل و شهرت و ... مدنظر است. همه این موارد مطابق با مقتضیات اسلام، اموری پسندیده و مطلوب برای زیست آدمی محسوب می‌شود؛ اما در قانون جذب، رسیدن به این امور، و تمرکز بر روی آنها هدف بنیادین را تشکیل می‌دهد.

نماز که هر انسان مؤمن به خداوند متعال در هر روز می‌گذارد، صبغه شکرگزاری دارد. نماز

بالاترین درجه سپاسگزاری از ولی نعمت راستین؛ خداوند متعال است. ترغیب و تشویق آموزه‌های اسلامی به گزاردن نماز، این نکته را تداعی‌گر است که سپاس با نماز در آمیخته است و انسان نمازگزار، شاکر است و محملی برای فزونی نعمت‌ها لحاظ خواهد شد.

حدیث شریف امام جعفر صادق علیه السلام نیز که می‌فرماید: «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»، همسو با مدعیات قانون جذب نیست. دعا در اسلام، خواستن متواضعانه از خداوند است. (شریفی‌دوست، ۱۳۹۲: ۳۴۲) اما خواسته در قانون جذب، خواستن فرمان‌رواگونه از کائنات است. انسان با ذهن خود در کائنات تحولی ایجاد می‌کند و خواستن از خداوند مطرح نیست. برای انسان قانون جذب، جهان ندا سر می‌دهد فرمان‌بردارم سرورم و به تعبیر برن، انگاره علاءالدین و چراغ جادو در ذهن انسان تداعی می‌کند. اما در آموزه‌های اسلامی، دعا، ۱. مسبوق به زیست اخلاقی و جهان‌بینی ایمانی است و مصبوغ به الهی‌نگریستن و خدائی زیستن است و ۲. خواستن از خداوند متعال است و ۳. تواضع و فروتنی و خشوع و اخلاص شرط اساسی آن به‌شمار می‌آید. برخی گفته‌اند فرد دعا کننده باید در سه محور، به اصلاح بینش خود بپردازد: توجه به استجابت‌کننده درخواست، نظام باورها و کیفیت درخواست. (شریفی‌دوست، ۱۳۹۳: ۳۶) اما در قانون جذب، خواستن ۱. مسبوق به پیش‌داشته‌های معرفتی نیست؛ ۲. حاصل تعامل ذهن و کائنات است؛ ۳. نه تنها تواضعی در کار نیست، بلکه این خواسته لاجرم صورت عینی باید در جهان بیرونی پیدا کند.

مؤلفه‌های ممتاز دعا و تحلیل وجوه برتری آن بر خواستن در قانون جذب

دعا در فرهنگ اسلامی، هرچند لازمه فهم عمیق انسان از ارتباط غنا و فقر است، اما خود در مرحله‌ای، ابزاری برای با خدا بودن است؛ بهانه‌ای است برای در کنار خدا نشستن و با او بودن. بنابراین تماماً ماهیتی از - اوئی و به - اوئی دارد. درحالی‌که در قانون جذب، خود خواستن با هر کیفیتی محل نظر است.

برخی پژوهشگران، ویژگی‌هایی برای دعا لحاظ کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال، گفته‌اند دعا مجموعه‌ای است از واژگان کلیدی که ارتباطات انسانی را به سمت‌وسوی امر متعالی و معنوی و قدسی جهت می‌دهد. و عمل دعا منظومه‌ای از رفتارهای الزام‌آور برای تکمیل ارتباط انسان با خداوند است. دعا به‌عنوان بخش اساسی از دین‌داری منجر به مفصل‌بندی اعتقادی (قطعات معنوی، اخلاقی، اجتماعی و دینی) با ترکیبی نو در کنار هم می‌شود. بنابراین در تمام ژانرهای دعایی، می‌توان به نوعی شاهد بروز انواعی از گفتگوهای دینی میان خود و خدا بود مانند: استغاثه، توسل، شکرگزاری، نذر کردن،

انابه، اعتراف و اقرار، شفاعت و توبه. (جیل، ۲۰۰۵: ۷۳۶۷ / ۱۰، به نقل از نجاتی، ۱۳۹۰: ۱۳) تجلی امر قدسی در فردیت و ذهن و زبان و کنش فردی و نیز قصدیت معنوی و متافیزیکی فرد از طریق دعا از دیگر ویژگی‌های دعاست. (همان) فراتر از این تحلیل، می‌توان مؤلفه‌های مختلف دعا در آموزه‌های اسلامی را بازشناسایی کرد و از ابعاد تربیتی و نقش آن در ساخت فرد و جامعه مطلوب گفت. دعا دارای مؤلفه‌هایی است: مؤلفه ارتباطی، (ارتباط انسان با هستی متعالی) مؤلفه خواستن، مؤلفه ایمان و باور عمیق و مؤلفه انگیزشی - هیجانی (شوق، امید، احساسات، میل، رغبت و ...) و گرایشی. (گرایش‌های درونی و فطری به‌ویژه در فرهنگ اسلامی)

بر پایه این چهار مؤلفه، دعا در آموزه‌های اسلامی، ارتباط انسان با خداست؛ چونان ارتباطی که در آن انسان تلاش دارد با فرابردن خود محدود و هم‌سازگار کردن آن با حقیقت متعالی، شکوفندگی را در خود ایجاد نماید. حقیقت ناب دعا، با خدامحوری و سخن گفتن انسان با خداوند است. و همچنان که تحلیل گشت، این امر برپایه‌های متافیزیکی و معرفت‌شناختی ویژه‌ای استوار است. اما در قانون جذب، خواستن، ارتباط انسان با کائنات است. درحالی‌که بنیاد متافیزیکی و هستی‌شناختی چنین ارتباطی، نامعلوم و غیرقابل اثبات است؛ نه‌تنها در متعلق و ناظر (کائنات) بلکه در اصل ارتباط، مشی خردورزانه‌ای مشاهده نمی‌شود.

مؤلفه خواستن هرچند وجه اشتراکی این دو است، اما دعا در اسلام، برآیند فهم عمیق متعالی‌گونه انسان از بنیاد هستی‌شناختی مبتنی بر فقر و غناست و همین نقصان و فقر، نیایش‌های مخلصانه را در قالب دعا برای انسان پی‌ریزی می‌کند. اما در قانون جذب، اساساً سخن از تعالی و فهم ژرفای عالم هستی نیست و عالم، به‌سان فقر مرتبط با غنی تصویرسازی نمی‌شود؛ گویا انسان بر فراز هستی، مقتدرانه ایستاده و با قدرت، از کائنات درخواست‌هایی دارد. این خواسته‌ها در صورتی‌که انسان واقعاً «باور» داشته باشد، عینی شده و تحقق پیدا خواهد کرد.

در قانون جذب، بر باور انسان به تحقق خواسته‌ها بسیار تأکید می‌شود؛ این باور تنها ناظر بر خواسته است: باور داشته باشم خواسته‌ام متحقق می‌شود! در آموزه‌های اسلامی، باور به تحقق خواسته با توجه قلبی انسان همراه است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۳) و در تناظر خواسته - باور، توجه قلبی مبتنی بر ۱. خدا باوری؛ ۲. فطرت باوری؛ ۳. آگاهی از بعد متافیزیکی عالم؛ ۴. جایگاه انسان و کیفیت ارتباط او با هستی متعالی است.

مؤلفه انگیزشی دعا همسو با ایمان مندرج در چنین تناظری است و شوق و امید و عشق در آن قابل رصد است. یکی از مؤلفه‌های مهم گرایشی دعا، کمال‌خواهی است که در آموزه‌های اسلامی،

به‌سان کمال متعالی و ارتقای وجودی است. درحالی‌که در قانون جذب، کمال‌خواهی دستوری قابل مشاهده است. وجه تعالی‌جویانه دعا در کمال‌خواهی فرهنگ اسلامی، براساس دیگرخواهی (رفع حاجات دیگران)، خواست ارتقای مطلوب سطح بندگی (براساس دو مؤلفه اصلی بخشش و عفو و التزام عملی به دستورات دینی) و زیست اخلاق‌محور و نهایتاً تقرب به خداوند و قرب الهی و ستایش آگاه‌مندانه او است. این فرایند، با کمال‌خواهی دستوری مبتنی بر «دیگران [همه] برای من» در قانون جذب متفاوت است.

براساس بعد ارتقای وجودی و کمال‌بخشی دعا، می‌توان از حیثیت تربیتی دعا در فرهنگ اسلامی گفت؛ امری که در قانون جذب هیچ جایگاهی ندارد. ابعاد تربیتی دعا در ساحت‌های مختلف آدمی همچون ساحت معرفتی - اعتقادی، ساحت هیجانی - احساسی، ساحت کنش و رفتار، ساحت گفتار و سخن و ساحت اراده و تصمیم‌گیری قابل رصد است.

دعا در بعد معرفتی در آموزه‌های اسلامی، دعوت بر شناختن و شناسایی واقعیت‌های بنیادین هستی (خداوند، فطرت آدمی، نیاز فطری، خودشناسی، شناخت انسان کامل و الگوسازی از او، هستی‌شناسی، مسئله توحید، اثربخشی حقیقت متعالی در فرآیندهای این‌جهانی، و ...) است. از این‌روست که در عالی‌ترین مناجات‌نامه‌ها و نیایش‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، ابعاد معرفتی و نیز زدایش غفلت و ساخت بصیرت بخش مهمی از ادعیه را تشکیل می‌دهند.

دعا در بعد هیجانی - احساسی - عاطفی خود بر عمیق‌ترین احساسات عاشقانه در قبال حقیقت متعالی استوار است. در این‌میان، محتوای دعا کارکردهایی همچون عشق‌آفرینی، دل‌دادگی نهایی به خداوند، آرامش، رفع اضطراب، امید، شفقت و مهرورزی با دیگران، خشیت درونی، تواضع فعال، احساس عزت نفس، و ... خواهد داشت.

در بعد ناظر بر ساحت تصمیم و اراده، می‌توان از کارکرد مسئولیت‌پذیری یاد کرد. دعا در آموزه‌های اسلامی، کارکرد ایجاد تعهد و مسئولیت برای فرد را التزام می‌بخشد. همچنین دعا الزاماً بر زیست اخلاقی در حوزه رفتار و گفتار تأکید دارد و محتوای غنی آن، با پشتوانه هستی‌شناختی، بر زندگی اخلاقی دعوت می‌کند.

این ابعاد در ساخت فرد ایمانی و جامعه مطلوب موثر است. بنابراین دعا در آموزه‌های اسلامی، فراتر از یک گفتگوی عادی، به گفتمانی انسان‌ساز با هویت اخلاقی - دینی - اجتماعی تحول می‌یابد و نقش تأثیرگذاری در روندهای اجتماعی و همیاری فرد با اجتماع دارد. بنابراین مؤلفه‌های اصلی دعا در اسلام، ارتباط انسان با خداوند و توجه قلبی او به خدا، طلب و

خواسته مطلوب، ایمان و باور انسان به فقر ذاتی خویش در برابر غنای مطلق و کمال‌خواهی تعالی‌گرایانه و فیض‌خواهی از خداوند است. محتوای غنی و اثربخشی دعا در زندگی آدمی با توجه به بعد کمال‌طلبی آن به تعالی زیستن منجر خواهد شد. از این‌رو فقر وجودشناختی از مبانی متافیزیکی دعا، آگاهی‌بخشی و معرفت‌زایی از شاخص‌های دعا، نیاز فطری از بنیادهای انسان‌شناختی دعا، ارتباط عاطفی - عاشقانه از تعاملات سازنده و موثر در دعا و کمال‌خواهی متعالی از لوازم آن به‌شمار می‌آید؛ بنیادها و لوازمی که در خواستن و باور عمیق در قانون جذب جایگاهی ندارند.

نتیجه

در دین اسلام و بویژه مکتب تشیع، دعا از ضرورت‌های دین‌ورزی است و نه تنها به لحاظ عبادی مورد تأکید است، از نظر عمق‌بخشی به معناداری زندگی به لحاظ پویایی و رویکرد احساسی - عاطفی حائز اهمیت است. دعا در آموزه‌های اسلامی، مبتنی بر بنیاد هستی‌شناختی ارتباط فقر و غنا و استوار بر ابعاد معرفت‌شناختی مبتنی بر آگاهی فرد از این ارتباط است و هدف آن ارتقای وجودی انسان است. دعا، در ساخت فرد مطلوب آموزه‌های اسلامی تأثیرگذار است؛ زیرا در مضامین دعا هر یک از ساخت‌های پنج‌گانه وجودی انسان درگیری دارد؛ دعا از واقعیت‌های بنیادین سخن می‌گوید و سبک زندگی ویژه‌ای تعیین می‌کند (ساحت معرفتی)؛ در دعا مؤلفه‌های احساسی - روان‌شناختی پایدار نظیر امید، شوق، سرزندگی، عشق‌ورزی در نهایی‌ترین صورت ممکن تحقق می‌یابد (ساحت احساسی - عاطفی)؛ دعا برای فرد مسئولیت‌ساز است (ساحت اراده و تصمیم) و زیست اخلاقی را مورد تأکید قرار می‌دهد (بعد گفتار و رفتار). محتوای دعا بسته به کیفیت وجودی انسان و جایگاه معرفتی - اخلاقی اوست؛ در عین حال می‌توان طیف گسترده‌ای به لحاظ تعیین مضمون شمارش کرد: دیگرخواهی و خیرخواهی، رفع بلاها و مشکلات، سلامت، کسب روزی حلال، عفو و بخشش، زیست اخلاقی، نیایش و ستایش حقیقت متعالی و تقرب به خداوند از مضامین دعایند.

از لوازم معنایی دعا، خواستن و از لوازم وجودی آن ایمان است. این دو در مقام ادعایی در جنبش قانون جذب بسیار مورد تأکید است: خواستن و باور. اساس قانون جذب بر خواستن و باور به تحقق‌مندی آن استوار است. از این‌رو سؤال از ارتباط این دو مکتب و جنبش طرح می‌شود. برخی از مدافعان قانون جذب، سخن از همسانی اسلام و قانون و جذب در این خصوص گفته‌اند.

در این جستار مشخص گردید دعا در آموزه‌های اسلامی خواه در بعد معنایی آن، خواستن، و خواه در بعد وجودی آن، ایمان، و خواه به لحاظ مبانی متافیزیکی و هستی‌شناختی (ارتباط فقر و غنا) و خواه

در شاخص‌های معرفت‌شناختی (آگاه‌مندی بر این ارتباط فقیر و غنا و مراتب معرفتی) و خواه در هدف (ارتقای وجودی)، خواه از حیث درون‌محتوایی، و نیز در سایر ابعاد همچون بعد انگیزشی و دیگر لوازم اخلاقی بر مدعیات قانون جذب برتری دارد. شاخص‌های برتری، برپایه آنچه تحلیل گردید، ابتدای بر واقعیت بنیادین، هدف‌گذاری متعالی، محتوایی اثربخش، کیفیت عقلانی - اخلاقی خواسته و آگاهی‌بخشی بر انسان و ارتقای وجودی است. خواستن در قانون جذب، بی‌بهره از چنین شاخص‌هایی است؛ اما دعا با داشتن هر یک از این معیارها، افق جدیدی برای انسان در زندگی می‌گشاید و تحولی بنیادین در او ایجاد می‌نماید. انتقادهای متعددی در این مؤلفه‌ها از جمله ارتباط خواستن با ریزمؤلفه‌های زندگی نظیر کار، عقلانی و غیرعقلانی بودن خواسته‌ها و اخلاقی و غیراخلاقی بودن آن و ... بر خواسته در قانون جذب طراحی گردید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. صحیفه سجاده.
۲. آزمندیان، علیرضا، ۱۳۸۳، *تکنولوژی فکر*، تهران، تکنولوژی فکر.
۳. ابراهیمی، افشین، ۱۳۹۲، *مقدمه کتاب مکمل راز بیل هریس*، تهران، نسل نو اندیش.
۴. ابن شعبه حرانی، ۱۴۲۳، *تحف العقول*، تقدیم شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵. امینی، محمد، ۱۳۹۰، *نقش تربیتی نیایش از منظر قرآن و عهدین*، قم، دانشگاه ادیان.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۸۸، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۷. برن، راندا، ۱۳۸۹، *قدرت*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، وطن آرا.
۸. برن، راندا، ۱۳۹۲، *راز*، ترجمه هنگامه خدابنده، تهران، طاهریان.
۹. برن، راندا، ۱۳۹۶، *معجزه*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران، لیوسا.
۱۰. بویر، مارتین، ۱۳۸۸، *من و تو*، ترجمه الهام عطاردی و ابو تراب سهراب، تهران، فرزانه.
۱۱. پاندر، کاترین، ۱۳۸۵، *قدرت دعا*، ترجمه مینا اعظامی، تهران، میترا.
۱۲. دایر، وین، ۱۳۸۱، *درمان با عرفان*، ترجمه جمال هاشمی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. دولت‌آبادی، مروه و عین‌الله خادمی، ۱۳۹۷، «تحلیل فلسفی رابطه قضا و قدر با مسئله استجابات دعا از نظر ملاصدرا»، *مجله پژوهش‌های فلسفی*، سال ۱۲، ص ۱۱۷-۱۳۵.
۱۴. سلمان‌پور، محمدجواد، ۱۳۸۴، «تحلیل زبان دعا»، *مجله اندیشه دینی*، شماره ۱۵، ص ۴۰-۲۱.

۱۵. سلیمانی، فاطمه، ۱۳۹۱، «جایگاه دعا و ذکر در جهان‌شناسی سینوی»، *مجله حکمت سینوی*، سال ۱۶، شماره ۴۴۴۴، ص ۴۴۴۴.
۱۶. شریعتی، علی، بی‌تا، *زیباترین روح پرستنده: امام سجاد (ع)*، علی شریعتی؛ فایل اینترنتی.
۱۷. شریفی دوست، حمزه، ۱۳۹۲، *عرفان‌های کاذب؛ راه‌های نفوذ و راه‌کارهای مقابله*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۸. شریفی دوست، حمزه، ۱۳۹۳، *قانون جذب و اسلام*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۹. شیمیل، آنه ماری، ۱۳۸۷، *ابعاد عرفانی اسلام*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۲۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمی.
۲۱. کلینی، محمد، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. کنفیلد، جک، ۱۳۸۹، *کلید زندگی با قانون جذب*، ترجمه امیرحسین مکی، تهران، نشر ثالث.
۲۳. مجلسی، سید محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۴. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. ملاصدرا، صدرالدین، ۱۳۸۹، *رسالة فی القضا و القدر در مجموعه رسائل فلسفی*، تصحیح مقصود محمدی، ج ۲، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۶. ملاصدرا، صدرالدین، ۱۹۸۱م، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۷. مهدوی‌راد، مهاجر و سید علی حسینی، ۱۳۹۸، «مؤلفه‌های حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک؛ وجوه شباهت و افتراق»، *مجله معرفت ادیان*، سال ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۴ - ۷.
۲۸. نبوی‌میددی، مریم‌السادات و قاسم‌علی کوچانی، ۱۳۹۰، «بررسی و نقد دیدگاه ونسان برومر در باب تعارض دعا و نظام عالم با تکیه بر آرای علامه طباطبائی»، *مجله اندیشه نوین دینی*، سال ۷، ش ۲۷، ص ۱۴۶ - ۱۲۵.
۲۹. نجاتی حسینی، محمود، ۱۳۹۰، «نسبت خود - دیگری در گفتمان دعای شیعی»، *مجله راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۳۷ - ۷.
۳۰. نجاتی حسینی، محمود، ۱۳۹۲، «دعا: یک کنش اجتماعی دینی موثر، مستمر، فراگیر (تحلیل ادبیات دعاپژوهی)»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، شماره ۴۴۴۴، ص ۶۰ - ۳۷.
31. Heiler, Friedrich, 1958, *Prayer*, New York, Oxford University Press.